

## مؤلفه‌های داستان‌های قرآن و مقایسه آن با اسرائیلیات

علی اصغر اصغری ولوجایی\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲

حمید محمد قاسمی\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲۰

سید حسین حسینی کارنامی\*\*\*

### چکیده

قرآن کریم کتابی است که جذاب‌ترین و معتبرترین قصه‌های دینی را تشکیل می‌دهد. قصه در عرصه فرهنگ و انتقال مفاهیم انسانی قدمتی کهن دارد و سازگارترین فرم کلامی با ذهن بشر است. از همین روی دامنه مخاطبانش وسیع‌تر و قدرت نفوذش بیش‌تر است. قرآن کریم در طرح داستان‌ها و به خصوص داستان‌های انبیا، از سبک و اسلوب‌های منحصر به فردی بهره جسته است. همین داستان‌های معنوی، آن هنگام که به دست افسانه‌پردازان و اسرائیلیات‌آفرینان افتاده است به نوعی مورد پردازش قرار گرفته که کاملاً با اسلوب و اهداف داستان‌های قرآن کریم مغایر و متضاد بوده است. این مقاله بر آن است مقایسه‌ای اجمالی میان پنج ویژگی داستان‌های قرآن از جمله «حقیقت‌گرایی، نپرداختن به جزئیات و تفصیل بی‌فایده، مبارزه با تحریفات، معرفی انبیا به عنوان الگوهای اخلاقی، رعایت اصول اخلاقی» با پنج ویژگی اسرائیلیات که کاملاً در برابر ویژگی‌های قصص قرآنی است یعنی «افسانه‌سرایی و خرافه‌پردازی، پرداختن به جزئیات و تفصیل بی‌فایده، تفاوت‌ها و تهافت‌های روایات اسرائیلی، و مخدوش کردن چهره تابناک انبیا ارائه کند تا اختلاف عمیقی که میان این دو روش وجود دارد روشن شود.

**کلیدواژگان:** قرآن، قصص، اسرائیلیات، انبیا، افسانه‌سرایی.

\* دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

\*\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

dr.ghasemi2021@gmail.com

\*\*\* استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

نویسنده مسئول: حمید محمد قاسمی

## مقدمه

یکی از ابزارهای مؤثر و کارآمد در جهت تأثیرگذاری بر دیگران و انتقال مفاهیم بشری که پیشینه‌ای کهن دارد، قصه است. در حقیقت این اسلوب کلامی، ابزار انتقال تجارب گوناگون تمدن‌ها و ملت‌ها و تجربه پیشینیان به پسینیان بوده است. طبع انسانی نیز از میان سایر وجوه گفتاری، گرایش بیش‌تری به شنیدن قصه دارد؛ چراکه احساس لطیف و عاطفی پر دامنه‌ای را در انسان‌ها برمی‌انگیزد و روح آدمی با شنیدن داستان آرامش یافته و از شخصیت‌ها و حوادث داستان‌ها بسیار تأثیر می‌پذیرد و سازگارترین فرم کلامی با ذهن بشر است. قرآن کریم در طرح داستان‌ها و به خصوص داستان‌های انبیا، از سبک و اسلوب‌های خاص و منحصر به فردی بهره جسته است و همین روش‌های بدیع بوده که داستان‌های قرآن را جاذبه و شکوهی خارق‌العاده بخشیده و هر یک از داستان‌ها را به صحنه تجلی فضایل اخلاقی و ارزش‌های متعالی تبدیل کرده است. چهره‌های پاک و تابناک هر یک از انبیا در این داستان‌ها نقش‌های زیبایی از معنویت، اخلاص، پاکدامنی، امانت و دیگر ارزش‌های اخلاقی را در منظر همگان قرار داده است.

همین داستان‌های معنوی آن هنگام که به دست افسانه‌پردازان و اسرائیلیات‌آفرینان افتاده است به نوعی مورد پردازش قرار گرفته که کاملاً با اسلوب و اهداف داستان‌های قرآن کریم مغایر و متضاد بوده، ذهن هر خواننده‌ای را از دست یازیدن به عبرت‌ها و پیام‌های اصلی و نکته‌های سازنده داستان‌های قرآن باز داشته، او را به وادی تخیلات و اوهام سوق می‌دهد. ما در این مقاله بر آن ایم تا مقایسه‌ای اجمالی میان ویژگی‌های داستان‌های قرآن - به ویژه قصص انبیا - با اسرائیلیات و روش‌های شایع داستان‌های اسرائیلی ارائه کنیم تا به بررسی این سوال که اختلاف عمیقی که میان این دو روش داستان‌پردازی وجود دارد را به روشنی دریابیم.

## پیشینه تحقیق

در مورد داستان‌های قرآنی تا کنون مقالات زیادی نوشته شده است اما آن دسته از مقالاتی که به عنوان پیشینه این مقاله به شمار می‌روند و حول محور قرآن و اسرائیلیات می‌چرخند، عبارت‌اند از:

۱. مقاله «بررسی و نقد اسرائیلیات در تفسیر قرآن و احادیث اسلامی» از محمد /یزدی مبارکه (۱۳۸۶ش). نتیجه این مقال آن شد که یهود پس از شکست از مسلمانان در عرصه نظامی، تهاجم فرهنگی خود را با اشاعه اخبار محرف و ساختگی در بین مسلمانان سامان دهی کردند. عدم ضبط و تدوین حدیث، خلاصه و گزیده بودن قصص قرآن و کنجاوی برخی صحابه در این خصوص از زمینه‌های شیوع چنین اخباری است.
۲. مقاله «اسرائیلیات و منقولات عهدینی در تفسیر وزیر مغربی موسوم به المصابیح فی تفسیر القرآن» از منصور قهرمان و همکاران (۱۳۹۴ش). در این مقاله نویسندگان به این نتیجه رسیدند که وزیر مغربی، تنها مفسری است که از هر سه روش نقل اسرائیلیات در تفسیر خود استفاده کرد با این تفاوت که در قیاس با تفاسیر پیش از خود، روایات موسوم به اسرائیلیات را به حداقل رساند.
۳. مقاله «تأثیر اسرائیلیات بر چگونگی انعکاس قصه آفرینش آدم در متون منشور عرفانی فارسی (از قرن پنجم تا پایان قرن هفتم)» از د/وود/اسماعیل نیا و همکار (۱۳۹۶ش). نویسندگان در این مقاله چنین استنتاج کردند که قصه پردازی اسطوره‌ای از ماجرای خلقت، ریشه در اسرائیلیات دارد؛ اما عارفان ایرانی مسلمان از آن به عنوان وسیله‌ای برای ابراز مباحث عرفانی، از جمله عشق ازلی و امانت الهی، اهمیت خاک، فروتنی و تقرب خاک به درگاه الهی و... بهره گرفتند.
۴. مقاله «تحلیل انتقادی روایات اسرائیلی پیرامون زندگی حضرت سلیمان (ع) بر مبنای قرآن کریم» از محمد جانی‌پور و همکار (۱۳۹۶ش). در این مقاله نویسندگان اینگونه نتیجه‌گیری کردند که جود برخی روایات جعلی موسوم به اسرائیلیات ذیل آن دسته از آیات قرآن کریم که سیره و سلوک انبیاء و اولیاء الهی را به عنوان الگوی کامل انسانیت ترسیم می‌نمایند، اثرات تخریبی بیش‌تری نسبت به دیگر آیات قرآن دارد، چراکه فراتر از اینکه باعث کج فهمی و انحراف از دین مبین اسلام می‌شود، موجبات عدم استفاده از الگوی کاربردی معرفی شده در قرآن را نیز فراهم می‌آورد.
۵. مقاله «پی‌جویی میزان تأثیرگذاری ابن جریر در ترویج اسرائیلیات» از فاطمه ژیان (۱۳۹۸ش). نتیجه این پژوهش آن شد که جز در چند مورد محدود، اثری از اسرائیلیات در روایات و آرای تفسیری/بن جریر دیده نمی‌شود و ارتباطات علمی و نقل

ابن جریر از راویان اسرائیلیات اندک است و لذا نمی‌توان او را قطب و مرجع عمده انتشار اسرائیلیات در منابع تفسیری دانست.

۶. مقاله «اسرائیلیات در تفسیر منهج الصادقین با تأکید بر داستان نوح(ع) در سوره هود(ع)» از مینا شمخی و همکار(۱۳۹۸ش). مهم‌ترین دستاورد این پژوهش آن است که یکی از تفاسیر شیعه، تفسیر «منهج الصادقین فی إلزام المخالفین» نگاشته ملافتح الله کاشانی است که در آن روایات اسرائیلی به چشم می‌خورد. مفسر، گاهی این روایات را برای نقد آورده؛ ولی در برخی موارد، مخصوصاً در داستان‌های انبیا مانند داستان حضرت نوح(ع)، روایات اسرائیلی را بدون هیچ نقدی آورده است. این روایات علاوه بر کاستی‌های سندی، از نظر محتوایی هم سستی‌هایی دارند و با نص قرآن و احادیث معصومان(ع) در تعارض هستند.

همانطور که از سطور پیشین برمی‌آید در هیچ یک از مقالات مذکور نویسندگان به بررسی مؤلفه‌های داستان‌های قرآن از جهت مقایسه آن با اسرائیلیات پرداخته‌اند و جنبه تطبیقی این مقاله آن را از پژوهش‌های مذکور متمایز می‌سازد.

## مفهوم شناسی

### ۱. معنای قصه

قصه در لغت: طریحی در «مجمع البحرین» می‌نویسد: «قصه به معنای دنبالش برو تا بنگری چه کسی او را می‌گیرد؛ کسی که جای پایش را دنبالش می‌کند از پی او می‌رود» (طریحی، بی تا: ۱۷۹ / ۴).

طبرسی در این خصوص می‌نویسد: «قصه بر وزن فعله در معنای فعول، یعنی مقصوص، مصدر نوعی از ماده «قَصَّ الشَّيْءُ يَقْصُهُ قِصًّا وَقِصْصًا»، یعنی آن چیز را پیگیری کرد، آن را باز گفت، آن را چید و برید، آمده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲ / ۷۶۵). قصه در اصطلاح دارای تعریفی خاص است که با معنای لغوی آن نیز سازگاری دارد. قصه از نظر قرآن سرگذشت حق و واقعی و صادقی است مبتنی بر دانش الهی که برای گسترش اندیشمندی و ایجاد عبرت و در خردمندان طوری بیان می‌شود که شنونده یا خواننده آن را دنبال می‌کند (فعال، ۱۳۷۸: ۶).

## ۲. اسرائیلیات

برخی معتقدند «اگرچه واژه اسرائیلیات به ظاهر نمایانگر نفوذ فرهنگ یهودی است و آنچه را که از طریق فرهنگ یهودی وارد حوزه اسلامی می‌شود، در بر می‌گیرد، ولی پرواضح است که این واژه معانی گسترده‌تری را در بر می‌گیرد و آنچه را که صبغه و رنگ یهودی و مسیحی دارد، شامل می‌شود و بدین ترتیب اسرائیلیات بر هر دو فرهنگ یهودی و مسیحی اطلاق می‌گردد» (معرفت، ۱۴۱۸: ۱۶۵).

## الف. ویژگی‌ها و مشخصات داستان‌های قرآن

### ۱. حقیقت‌گرایی

یکی از روش‌های منحصر به فرد قرآن در ارائه داستان‌ها و سرگذشت پیشینیان، «حقیقت‌گرایی و واقعیت‌بینی» در تاریخ است. بدین معنا که قرآن به شیوه‌ای حقیقت‌گرا و عینیت‌نگر با حوادث و وقایع تاریخ برخورد می‌کند نه به طور خیال‌پردازانه و ایده‌آلیسم. قرآن حقایق را دگرگون نمی‌سازد و پیش‌داوری‌ها را بر اتفاقات القا و تحمیل نمی‌کند بلکه حقیقت را آنچنان که هست بدون پیش‌داوری و پیش‌اندوزی و سبقه ذهنی می‌آورد. غلو و اغراق در توضیحات تاریخی قرآن مشاهده نمی‌شود. به عبارت دیگر تاریخ همانند یک علم در قرآن بررسی می‌شود و مرز آن با افسانه و اسطوره و زمان و... متفاوت است (رادمنش، ۱۳۶۸: ۹۲ و ۹۳). ماهیت قصه‌های قرآن با قصه‌های متداول در ادبیات گذشته و کنونی متفاوت است. قصه و داستان رایج در ادبیات دامنه گسترده‌ای دارد که محدود به رئالیسم نمی‌باشد و از عنصر تخیل بی‌بهره نیست بلکه به عکس تخیل در صحنه‌پردازی‌ها، طرح و توصیف حوادث، شخصیت‌ها، زمان و مکان داستان نقشی اساسی دارد، هرچند منشأ آن می‌تواند واقع باشد و از نوعی رئالیسم ریشه بگیرد (ملبویی، ۱۳۷۶: ۹۴). آنچه در سیره انبیا در قرآن کریم نمود بارزی دارد لحاظ نمودن جنبه حقیقت‌گرایی و واقعیت‌نگری در سیره آن بزرگواران است. بدین معنا که پیامبران الهی هیچ‌گاه حاضر نمی‌شدند برای نیل به اهداف مقدس خود از مرز حقیقت پا فراتر نهاده و هیچ‌گاه از جهالت و نادانی مردم به نفع خود بهره نمی‌جستند و حقایق را فدای مصالح شخصی خود نمی‌کردند.

یکی از این نمونه‌ها سخن حضرت نوح است می‌فرماید: «من هرگز به شما نمی‌گویم خزائن الهی نزد من است! و نمی‌گویم غیب می‌دانم! و نمی‌گویم من فرشته‌ام و (نیز) نمی‌گویم کسانی که در نظر شما خوار می‌آیند خداوند خیری به آن‌ها نخواهد داد. خدا از دل آنان آگاه‌تر است (با این حال اگر آن‌ها را از خود برانم) در این صورت از ستمکاران خواهم بود» (هود/۳۱).

در همین آیه، شش حقیقت از زبان نوح آمده است که در سرگذشت هیچ قهرمان یا رهبری از تاریخ این اذعان به حقایق و تخفیف خود برای تقویت واقعیت‌ها را نمی‌یابیم و جا دارد خاطره سلاطین و کشورگشایان و قهرمانان را به یاد آوریم که هر یک با اندکی موفقیت، تأییدیه‌ای از معبدی یا کلیسایی، از کاهنی یا کشیشی می‌گرفتند که فرزند خدایند و منتخب خدا، مقدس‌اند و از دیگران برترند و... (رادمنش، ۱۳۶۸: ۹۴). در این مجال باید گفت علاوه بر داستان‌های زندگی پیامبران که دستخوش اسرائیلیات شده است، در مورد احادیث نیز این مسأله صدق می‌کند به این صورت که احادیث انبیاء الهی عنوان بخشی از روایات معتبر در منابع حدیثی اسلام است که بازگوکننده اعتقاد انبیاء الهی، و یا کتب آسمانی پیشین است. این احادیث، که حدوداً هزار حدیث است، از ۳۴ پیامبر نقل شده و بیش‌تر آن‌ها از دو پیامبر اولوالعزم موسی و عیسی (ع) روایت نقل‌ها و روایت‌هایی است که از منابع غیر اسلامی و «اسرائیلیات» شده است. از سوی دیگر غالباً یهودی و مسیحی به منابع اسلامی خصوصاً حدیث و تفسیر راه یافته است. در نگاه اول به نظر می‌رسد احادیث انبیاء (ع) عرصه مناسبی برای بروز و ظهور اسرائیلیات باشد و تعداد زیادی از آن‌ها به این بخش از منابع حدیثی اسلام راه یافته باشد، اما با دقت بیش‌تر نمایان می‌شود که چنین نیست و تنها شماری معدود از آن‌ها به این سرنوشت دچار شده‌اند (قهرمان و همکاران، ۱۳۹۱: ۷).

## ۲. نپرداختن به جزئیات و تفصیل بی فایده

هدف قصه‌های قرآن جدا از اهداف کلی قرآن نمی‌باشد و روشن است که هدف اصلی در قرآن، چیزی جز «هدایت» نیست. اساساً همه شریان‌ها، رگ‌ها و مویرگ‌های آیات قرآن به «قلب هدایت» ختم می‌شود و هیچ نکته، مثال، قصه و حادثه‌ای در قرآن نیست

که بی نتیجه و بی هدف طرح شده باشد. بنابراین هدف در قصه قرآنی نقطه ثقل تلقی می‌گردد. از این رو هر قصه‌ای که در قرآن وارد شده به گونه ای پیش می‌رود که از همان آغاز روشن است که هدفی را پی می‌گیرد. به همین دلیل تمام توضیحات، بیان‌ها، کنایه‌ها در راه رسیدن به هدف مورد نظر به کار گرفته می‌شود و از حواشی و توصیف‌های اضافی پرهیز می‌گردد.

اصولاً برخورد قرآن با حوادث زمان‌های گذشته برخوردی انتخابی و گزینشی است. یعنی اینگونه نیست که نسبت به یک پیامبر با یک قوم کلیه وقایع و اتفاقات را جزء به جزء بیان کند بلکه آنچه را که می‌تواند حامل پیام دین و در بردارنده یک موعظه و هدایت و عبرت و ارشاد باشد بیان می‌کند، و در نقل یک واقعه هم آنچه که بیش‌تر به این هدف کمک کرده و از برجستگی خاصی برخوردار است مطرح می‌شود. از این رو اکثر داستان‌های قرآن به صورت پراکنده و قطعه قطعه در سراسر قرآن پخش است. گاهی بخشی از اول یک داستان و گاهی از نیمه و گاهی فصلی از پایان داستان را نقل می‌کند و گاهی فقط یک پرده و یک حلقه نمایشی از فرازهای مفید و مؤثر قصه (محدثی، ۱۳۷۴: ۲۳۹ و ۲۴۰). به همین منظور قرآن کریم نام شخصیت‌ها را در حد ضرورت ذکر نموده و آنجا که ذکر نام در غرض نقش نداشته به جای نام از توصیفی مشعر به غرض استفاده نموده و به صورت کلی از آن عبور کرده و روی هدف تکیه نموده است. به عنوان مثال در داستان موسی و همسفرش و ملاقات آن دو با خضر می‌فرماید:

﴿فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا﴾ (کهف / ۶۵)

در این داستان، قرآن صراحتاً از نام چنین شخصیتی - که بر طبق نظر مفسرین خضر بوده - یاد نموده تنها از اوصاف و کمالات وی سخن به میان آورده است.

به عنوان نمونه داستان قوم ثمود است که قرآن در آن باره می‌فرماید:

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا ۖ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ۖ

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا﴾ (شمس / ۱۱ - ۱۴)

از آنجا که موضوع اصلی قصه حول محور تکذیب رسالت دور می‌زند، بنابراین عناصر قصه نیز روی بیان این هدف متمرکز شده اند. از صالح به نام «رسول الله» یاد شده تا یادآور رسالت او باشد و از شخصیت منفی داستان که به نمایندگی از قوم ثمود مبادرت

به هلاک ناقه‌ای نمود که آیت رسالت به شمار می‌آمد با عنوان شقی‌ترین آن‌ها یاد نموده است تا بر زشتی این نوع از انکار رسالت تأکید ورزد.

### ۳. مبارزه با تحریفات

در گذشته افسانه‌پردازان، تاریخ را آشفته ساختند و در جهت اغراض خود، حقایق را با دروغ‌ها و اباطیل آمیختند. این تحریف‌ها به حدی رسیده بود که به درون متون مذهبی و کتاب‌های آسمانی موجود در دست بشر نیز راه یافته بود. با توجه به نقش ویرانگر این تحریف‌ها، قرآن برای اصلاح و زدودن آثار سوء آن‌ها در قالب قصه‌ها به بیان تاریخ واقعی و سرگذشت راستین افراد و اقوام گذشته پرداخت. از این رو در همان هنگام، این حرکت قرآنی واکنش‌هایی هم به دنبال داشت. برخی از کفار و یهودیان (که خود از عوامل اصلی تحریف تاریخ بشر بوده‌اند) قرآن را به افسانه‌بافی و نقل اساطیر متهم کردند.

چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿إِذَا تَتَلَوْا عَلَيْهِ آيَاتِنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۚ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾

(مطففین / ۱۳ و ۱۴)

در تمدن‌های اولیه، داستان آفرینش خلقت آدم، داستان‌های انبیا و برخی حوادث دیگر به افسانه‌هایی شرک‌آلود مبدل گشته بودند. پس از پیدایش دین یهود و گذشت زمان تا هنگامی که تلاش‌هایی برای گردآوری تورات و تدوین آن صورت پذیرفت، این افسانه‌ها و اساطیر به درون تمدن عبرانی نیز کشیده شد. البته تحریف از راه‌های دیگر نیز به درون عهدین راه یافت و کار به آنجا کشید که داستان‌هایی غیر واقع و پیرایه‌های نادرست بر انبیا بسته شد. در آیه ۷۶ سوره نحل با اشاره به چنین حقیقتی آمده است:

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾

به این ترتیب، خدای متعال یکی از رسالت‌های قرآن را مبارزه با اختلاف‌هایی دانسته که به خاطر آمیخته شدن «خرافات» با «حقایق تعلیمات انبیا» به وجود آمده بود و با تکیه بر قصه‌های حق خود، سعی در زدودن آثار ویرانگر اساطیر و عقاید باطل و منحرفی داشته و دارد که از گذشته دور رواج یافته و از نسلی به نسل دیگر به ارث رسیده است.



#### ۴. معرفی انبیا به عنوان الگوهای اخلاقی

یکی از ویژگی‌های بارز داستان‌های قرآن کریم آن است که انبیا را در جایگاه رفیعی از معنویت و در مرتبتی والا از کمالات اخلاقی و انسانی قرار داده و برای هر یک از آن‌ها مقام‌های رفیعی از رشد و کمال را قائل شده است.

خدای متعال چهره‌های پاک و تابناک انبیا را به عنوان الگوهای شایسته برای سایر بندگان، برگزیده و آنان را برای تمام اعصار و نسل‌ها مشعل هدایت و راهبران سعادت قرار داده و با بیان سرگذشت واقعی آنان در کتاب آسمانی قرآن و با ترسیم صفات برجسته ایشان، سینه‌ها را از عظمت و هیبت آنان پر ساخته و دل‌ها را در برابرشان خاضع و خاشع نموده است. بدین‌سان چگونه می‌توان پذیرفت که انبیا(ع) در پرتگاه‌های مهلک شهوانی لغزیده باشند؟! همانگونه که از زبان شعیب می‌خوانیم:

﴿وَمَا أَرِيدُ أَنْ أَخَالِفَ كُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنِّي أُرِيدُ﴾ (هود/ ۸۸)

#### ۵. رعایت اصول اخلاقی و عفت بیان

یکی از شگفتی‌های قرآن و یکی از نشانه‌های اعجاز این کتاب آسمانی آن است که هیچ‌گونه تعبیر زننده و ناموزون و دور از عفت در آن وجود ندارد و این امر در داستان‌های قرآن - به‌ویژه داستان‌های که از عشق و مسائل جنسی، اشاراتی به میان آورده است - نمود آشکاری دارد. قرآن در ترسیم صحنه‌های حساس قصه‌هایی که رد پایی از مسائل عشقی در آن‌ها دیده می‌شود، به طرز شگفت‌انگیزی «دقت در بیان» را با «متانت و عفت» به هم آمیخته و بدون اینکه از ذکر وقایع چشم‌پوشد و اظهار عجز کند تمام اصول اخلاقی و عفت را نیز به کار بسته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۷۸/۹ و ۳۷۹). در اینجا به عنوان نمونه به ذکر داستان حضرت یوسف(ع) و روش بدیعی که قرآن در طرح آن‌ها اتخاذ نموده اشاره می‌کنیم:

#### ۱.۵. داستان یوسف و همسر عزیز

این داستان که در آن از عشق هوس‌آلود و سوزان یک زن زیبای با جوانی ماهرو و پاکدل سخن به میان آمده، از جمله مواردی است که قرآن در شرح ماجرای آن، همه‌گفتنی‌ها را گفته، اما کوچک‌ترین انحرافی از اصول عفت سخن پیدا نکرده است (همان).

قرآن کریم صحنه‌های خطیر و حساس این ماجرا را چنین ترسیم کرده است:  
﴿وَرَأَوْتَهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْاَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْت لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اِنَّهُ رَبِّيْ اَحْسَنُ مٰثُوٰى اِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظّٰلِمُوْنَ﴾ (یوسف / ۲۳)

برخی محققان و مفسران ظرافت‌های اخلاقی قرآن را در چگونگی پردازش این ماجرا به خوبی یاد آور شده‌اند و به نکته‌هایی چند درباره این آیه اشاره داشته‌اند؛ از جمله:  
۱- لفظ «رَأَوْتَهُ» در لغت عربی، درخواست مصرانه را می‌گویند. این لفظ حاکی است که همسر عزیز در درخواست خود بسیار مصر بود، اما به خاطر عفت بیان، از بازگویی مواد اصرار که همان کامگیری می‌باشد خودداری می‌کند (سبحانی، ۱۳۶۰: ۱ / ۲۸۶).  
۲- هرگز نام اصرار کننده را نمی‌برد و نمی‌گوید زلیخا یا همسر عزیز، از او درخواست مصرانه کرد، بلکه او را با جمله «الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا» معرفی می‌کند. یعنی بانویی که یوسف در خانه او بود و از طریق تسلط اصرار کننده بر یوسف و این که او پیوسته در چنگال وی بود به استقامت فوق‌العاده یوسف اشاره می‌کند (همان).  
به این ترتیب ملاحظه می‌شود که قرآن کریم در موجزترین و مختصرترین عبارات‌ها، نهایت هنرنمایی ادبی و اخلاقی را به خرج داده و با دقت و وسواسی خاص به گزینش کلمه‌ها پرداخته و بدون پرده‌داری و طرح جزئیات مضر و ضد اخلاقی، پیام اصلی داستان را به مخاطب القا کرده است.

## ب. ویژگی‌ها و مشخصات اسرئیلیات

### ۱. افسانه‌سرایی و خرافه‌پردازی

یکی از نمودهای عینی و بارز روایات اسرئیلی، خیال‌پردازی‌ها و افسانه‌سرایی‌هایی است که زاینده ذهن‌های بیمار و کج‌اندیش مبتکران آن بوده است. داستان‌سرایان و افسانه‌پردازان در طول تاریخ با خرافات خود، چهره‌آدیان الهی و حقایق معنوی را تیره و تار کرده‌اند و گاه با پیرایه‌های خود حقایق و واقعیت‌های تاریخ را مسخ کرده، اثرات زیانباری از خود به جای گذاشته‌اند. اساساً یکی از رسالت‌های مهم انبیاء، مبارزه با همین خرافات و خرافه‌پردازی‌هایی بوده که عقل و اندیشه انسان‌ها را در زیر خروارها خاک اوهام و خرافات خود، دفن ساخته بودند.

در اینجا به نمونه‌هایی از افسانه‌های خرافی و اسرائیلیاتی که به تفاسیر رخنه کرده، اشاره می‌نماییم.

## الف. حکایات و توصیف‌های خرافی

۱. قرطبی در تفسیر آیه:

﴿وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةً﴾ (الحاقة / ۱۷)

آورده است: بر فراز آسمان هفتم، هشت بز کوهی قرار دارد که فاصله بین سم‌های آن‌ها و ران‌ها و ساق‌های‌شان، به اندازه فاصله آسمان تا آسمان است و بر کمر این‌ها عرش قرار گرفته است (قرطبی، ۱۴۰۸: ۱۸ / ۱۷۳).

۲. مقاتل بن سلیمان در تفسیر آیه نخست سوره فاطر آن هنگام که سخن از فرشتگان الهی را مطرح داشته درباره جبرئیل می‌گوید: «در بهشت رودی هست به نام رود حیات که جبرئیل هر روز پس از ساعت سوم در آن فرو می‌رود تا خود را بشوید، او دو بال دارد که آن‌ها را در رود می‌گسترده و هر بال او هفتاد هزار پر دارد. آنگاه از هر پر او قطره‌ای آب می‌چکد که خداوند از آن فرشته‌ای می‌آفریند که او را تا روز قیامت حمد می‌گوید» (نویا، ۱۳۷۳: ۵۷).

## ب. حکایات و توصیفات مبالغه آمیز

۱. مقاتل بن سلیمان با ذهنیتی که از دربار پادشاهان و سلاطین داشت، مبادرت به تفسیر آیه ۲۰ سوره انسان: ﴿وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمْرًا رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا﴾ نموده است: هر مردی در بهشت کاخی دارد که در اندرون آن هفتاد بهشت است و هر بهشت هفتاد تالار دارد که همه از مروارید مقعر ساخته شده است. طول و عرض هر مرواریدی دوازده هزار ذراع است و به آن از چهار هزار در بزرگ زرین می‌توان وارد شد. در درون هر تالاری تختی است مزین به قیطان‌های از مروارید و یاقوت زرد که در پیرامون آن چهل هزار کرسی طلا با پایه‌های از لعل کبود نهاده شده است. بر هر تختی هفتاد بال بوقلمون گسترانیده شده است که برگزیده خدا بر آن تکیه کرده، بر آرنج چپ می‌آساید (نویا، ۱۳۷۳: ۸۰).

۲. در پاره‌ای از تفاسیر در ذیل آیه ۱۷ سوره نحل آمده است: «لشکرگاه سلیمان صد فرسخ بود، بیست و پنج فرسخ آن برای جن، بیست و پنج فرسخ برای انسان‌ها، بیست و پنج فرسخ برای پرندگان و بیست و پنج فرسخ برای حیوانات وحشی اختصاص یافته بود. همچنین سلیمان هزار خانه از آبگینه داشت که بر روی چوب تعبیه شده بودند و سیصد زن و هفتصد کنیز در آن خانه‌ها سکونت داشتند. جنیان برای سلیمان فرشی از طلا و ابریشم بافته بودند که طول و عرضش یک فرسخ بود و منبر او را که از طلا و نقره بود، در وسط آن فرش می‌گذارند و سلیمان بر آن جلوس می‌کرد» (طبرسی، ۱۴۰۸: ۷/۳۳۵؛ نسفی، ۱۴۰۸: ۲/۶۰۱).

## ۲. پرداختن به جزئیات و تفصیل بی فایده

فشرده بودن محتوای برخی آیات به گروهی از خیال‌پردازان و اسرائیلیات‌گسترها مجال آن را می‌داد تا برای پر کردن شکاف‌هایی که در فهم یک داستان قرآنی به چشم می‌خورد، به هر غث و سمینی توسل جویند و برای آنکه یک داستان قرآنی را مطابق سلیقه خود از آب درآورند و همانند سایر داستان‌های تاریخی صدر و ذیل و مشخصات دقیق آن را کامل کنند، تفصیل و جزئیاتی را که در هر کجا یافتند، به داستان ضمیمه کرده، صد البته اگر چیزی نمی‌یافتند، از دستمایه‌های فکر خود بهره می‌جستند و بدین سان داستانی تمام عیار را شکل می‌داند.

سابقه این نوع داستان‌پردازی‌ها را به وضوح می‌توان در تورات و انجیل و شروح و تفاسیری که بر آن‌ها نگارده‌اند، سراغ گرفت؛ چراکه با مراجعه به تورات در وهله اول ملاحظه می‌کنیم که حوادث و وقایع بر طبق یک سیر تاریخی منظم طرح شده، به گونه‌ای که در ابتدا (یعنی سفر پیدایش) از موضوع خلقت عالم و آفرینش انواع موجودات سخن به میان آمده و در نهایت با بیان سرگذشت انبیای بنی‌اسرائیل خاتمه یافته است. همچنان که انجیل‌های چهارگانه نیز به شرح کاملی از زندگانی حضرت مسیح و سرگذشت حواریون آن حضرت پرداخته‌اند.

در اینجا به نمونه‌هایی چند از جزئی‌نگری‌ها در روایات اسرائیلی اشاره می‌گردد:

**الف) اسامی دقیق هر یک از افراد و موضوعات در روایات اسرائیلی**

۱. در داستان موسی و خضر، نام کودکی که به دست خضر کشته شد، حسین فرزند گازی و نام مادرش، سهری معرفی شده است و گفته‌اند خضر آن کودک را با سنگ به قتل رساند (مقاتل، ۱۴۲۴: ۲/ ۳۲۶ و ۳۲۷).

۲. در داستان گاو بنی اسرائیل، نام مقتول، «عامیل» و آن قسمت از گاو را که به بدن او زدند، ران راست گاو معرفی نموده‌اند (همان: ۱/ ۹۴).

### ب) اسامی دقیق هر یک از اماکن در روایات اسرائیلی

در داستان هبوط آدم و حوا از بهشت به زمین، گفته‌اند: «خدای متعال آدم را به «هند» و بز کوهی که آن را «سراندیب» گویند فرود آورد که آن کوه از همه کوه‌های زمین بلندتر است! و حوا را به «جده» در سرزمین حجاز و ابلیس را به «بابله» در عراق و مار را به «اصفهان» و طاووس را به «کابل» فرستاد» (رازی، ۱۳۵۶: ۱/ ۱۵۱؛ کاشانی، ۱۳۴۶: ۱/ ۱۸۷).

### ج) ویژگی‌ها و مشخصات دقیق افراد و اشیا در روایات اسرائیلی

۱. از وهب بن منبه روایت شده است: «نوح نجار بود و اندکی گندم گون بود، صورتی کشیده داشت، چشم‌هایش بزرگ بود و ساق‌هایش باریک بود، گوشت ران‌هایش بسیار بود! نافش بزرگ بود! ریشی بلند و پهن داشت، بلند قامت و تنومند بود و...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱/ ۲۷۸؛ مجلسی، ۱۳۷۶: ۱/ ۲۴۶).

۲. در توصیف اژدهائی که از عصای موسی پدید آمد، گفته‌اند: «آن اژدها مذکر بود و پر مو، وقتی دهان خود را باز کرد، میان دو فکش هشتاد ذراع فاصله بود، فک پایین را بر زمین گذاشت و فک بالا را بر دیوار قصر فرعون، و آنگاه به فرعون حمله ور شد و فرعون از تختش پایین پرید و پا به فرار گذاشت» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/ ۱۳۸).

### ۳. تفاوت‌ها و تهافت‌های روایات اسرائیلی

یکی دیگر از ویژگی‌های مشخص روایات اسرائیلی، اختلاف‌های فاحش و اقوال گوناگون و متضادی است که در نتیجه پرداختن به ریزه‌کاری‌ها و غور در جزئیات و تفصیل یک داستان پدید آمده است. این روایات گاه آنچنان از نظر متن و محتوا با یکدیگر اختلاف دارند که به هیچ روی نمی‌توان سر همه آن‌ها را بر یک بالین گذاشت و

نقطه اشتراکی میان آن‌ها جويا شد و این خود یکی از نشانه‌های آشکار مجعول و ساختگی بودن بیش‌تر این اقوال و پندارهای خیالی است؛ چراکه سخنان حق هیچ‌گاه یکدیگر را نفی نمی‌کنند و این از طبیعت سخنان باطل و دروغین است که با یکدیگر تهافت و تناقض دارند و در این باره چه خوب گفته‌اند: «الحقُّ أبلجُّ والباطل لجلجُّ» (المیدانی، بی تا: ۱ / ۲۰۷): حق آشکار و درخشان است و باطل تیره و غبار آلود. / ابن کثیر درباره اختلاف روایات اسرائیلی با یکدیگر می‌نویسد: «پرداختن به جزئیات و تفصیل بی فایده، سبب شد، تا علمای اهل کتاب - که به این قبیل جزئیات توجه خاصی نشان می‌دادند - در این موارد بسیار اختلاف ورزند و مفسران نیز از هنگامی که این جزئیات بی‌ثمر را مورد توجه قرار داده‌اند، دچار اختلاف شوند (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۴ / ۱).

#### ۴. مخدوش نمودن چهره تابناک انبیا

از آنجا که قطب‌های مروج اسرائیلیات همواره تعالیم حیات‌بخش انبیا را مخالف با منافع و مطامع مادی و دنیوی خود یافته‌اند، تلاش کرده‌اند تا با مجعولات و نسبت‌های ناروای خود، سیمای روحانی و معنوی انبیا را تیره و تاریک جلوه دهند و با تحریف اقوال و افعال پیامبران الهی چهره مسخ شده‌ای از آنان و تعالیمشان ترسیم کنند. این توطئه‌گران در اجرای اهداف شوم خود آن الگوهای عینی و عملی عفت و پاکدامنی را در سطح افرادی عیاش و لاپالی که اسیر چنگال هوی و هوس بودند و هیچ‌گونه مانع و رادع اخلاقی نداشته‌اند، تنزل بخشیدند و موقعیتی فرومایه‌تر از آحاد امت برای آنان ترسیم کردند.

اما تأسف بارتر آن است که همین مجعولات و ترهاتی که پیامبران الهی را افرادی سحر شده، دروغ پرداز، شهوتران، مشرک، گنهکار، مغضوب درگاه الهی و... معرفی کرده به تفاسیری قرآنی راه یافته‌اند و از سوی برخی مفسران به عنوان شرح و توضیح آیات الهی تلقی به قبول شده‌اند! به عنوان مثال فضل بن رزبهان (از محققان اشاعره) می‌گوید: «اما تجویز گناهان صغیره‌ای که بر خست دلالتم نمی‌کند نسبت به انبیا از این جهت است که گناه صغیره اندکی که از روی عمد انجام می‌شود، از کسی که از گناهان کبیره

اجتناب می‌کند، بخشیده می‌شود و از سوی دیگر پیامبر بشر است و وقوع این گونه گناهان صغیره از انسان بعید نیست» (مظفر، ۱۳۷۴: ۱ / ۴۵۰ و ۴۵۱).

حقیقت آن است که این نغمه‌ها، نخستین بار از طنبور یهودیانی برخاسته است که نه تنها شأن و منزلتی برای انبیا قائل نبوده‌اند، بلکه حقد و کینه آن‌ها را در دل می‌پرورانده‌اند و از این روی ساحت پاک انبیاء کرام را به انواع پلیدی‌ها آلوده ساخته‌اند که تورات تحریف شده آن‌ها خود گواهی بر این مدعی است. به عنوان نمونه:

۱- در باب پنجم از کتاب /رمیاء نبی آمده است: «امری عجیب و هولناک در زمین واقع شده است. انبیا به دروغ نبوت می‌کنند و کاهنان به واسطه ایشان حکمرانی می‌کنند و قوم من این حالت را دوست می‌دارند و شما در آخر این چه خواهید کرد؟» (تورات، کتاب ارمیاء، باب ۵ / جمله ۳۱).

۲- در همان کتاب آمده است: «چون که هم انبیا و هم کاهنان منافق‌اند» (تورات، کتاب ارمیاء، باب ۲۳ / جمله ۱۱).

### نتیجه بحث

از آنچه گفته شد نتایج ذیل حاصل می‌گردد:

خداوند متعال در قرآن، داستان‌ها و سرگذشت انبیاء و اقوام پیشین را بر پایه واقعیت معرفی نموده است؛ در حالی داستان‌سرایان و افسانه‌پردازان در طول تاریخ با استفاده از حکایات و توصیف‌های خرافی و مبالغه آمیز چهره ادیان و انبیاء الهی را تیره و تار کرده‌اند که اثرات زیانباری از خود به جای گذاشته‌اند. عجیب آن است که پاره‌ای از نویسندگان و محققان تصور کرده‌اند که قرآن کریم نیز به سان سایر داستان‌سرایان و مورخان از عنصر خیال‌بافی و افسانه‌پردازی و اساطیر غیر واقعی مدد جسته است. برخورد قرآن با حوادث زمان‌های گذشته برخوردی انتخابی و گزینشی است؛ به گونه‌ای که آنچه را می‌تواند حامل پیام دین و در بردارنده یک موعظه و هدایت و عبرت و ارشاد باشد بیان می‌کند. اما گروهی از خیال‌پردازان و اسرائیلیات‌گسترها داستان‌های قرآنی را مطابق سلیقه خود از آب درآوردند و تفصیل و جزئیاتی را که در هر کجا یافتند، به داستان ضمیمه کردند که این امر باعث گردید تا داستان‌ها از اهداف تربیتی خود تهی

گردند. در گذشته افسانه پردازان، تاریخ را آشفته ساختند و در جهت اغراض خود، حقایق را با دروغ‌ها و اباطیل آمیختند. با توجه به نقش ویرانگر این تحریف‌ها، قرآن برای اصلاح و زدودن آثار سوء آن‌ها در قالب قصه‌ها به بیان تاریخ واقعی و سرگذشت راستین افراد و اقوام گذشته پرداخت.





## کتابنامه

### قرآن کریم.

نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی.

### تورات.

- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. ۱۴۰۸ق، **تفسیر القرآن العظیم**، ترکیه: دار الدعوه.
- دایرة المعارف بزرگ اسلامی. ۱۳۷۷ش، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ذهبی، محمدحسین. ۱۴۰۵ق، **الاسرائیلیات فی التفسیر والحديث**، الطبعة الثانية، دمشق: دار الایمان.
- رادمنش، عزت الله. ۱۳۶۸ش، **تاریخ در قرآن**، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- زمخشری، محمود بن عمر. ۱۴۰۷ق، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، الطبعة الثالثة، بیروت: دار الكتاب العربی.
- سبحانی، جعفر. ۱۳۶۰ش، **منشور جاوید قرآن**، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر. بی تا، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، بیروت: دار المعرفة.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، با مقدمه محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۴۰۸ق، **مجمع البیان فی علوم القرآن**، الطبعة الثانية، بیروت: دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین. بی تا، **مجمع البحرین**، تهران: مرتضوی.
- فعال عراقی، حسین. ۱۳۷۸ش، **قصص قرآن و تاریخ انبیاء**، چاپ دوم، تهران: نشر سبحان.
- فیومی، احمد بن محمد. بی تا، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر**، بیروت: المكتبة العلمية.
- قرطبی، محمد بن احمد بن ابی بکر. ۱۴۰۸ق، **الجامع لأحكام القرآن معروف به تفسیر قرطبی**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۳۷۶ش، **حیة القلوب**، تحقیق: سید علی امامیان، چاپ دوم، قم: انتشارات سرور.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، الطبعة الثالثة، بیروت: دار احیاء التراث الاسلامی.
- محدثی، جواد. ۱۳۷۴ش، **واکاوی هنر در قلمرو مکتب**، چاپ دوم، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- مصطفوی، حسن. ۱۳۶۰ش، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مظفر، محمد حسن. ۱۳۷۴ش، **دلایل الصدق**، ترجمه محمد سپهری، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

معرفت، محمدهادی. ۱۴۱۸ق، **التفسیر والمفسرون**، مشهد: الجامعة الرضوية للعلوم الاسلامية.  
مقاتل، ابوالحسن. ۱۴۲۴ق، **تفسیر مقاتل**، تحقیق أحمد فرید، بیروت: دار الکتب العلمیة.  
مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۱ش، **تفسیر نمونه**، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الاسلامیة.  
ملبویی، محمدتقی. ۱۳۷۶ش، **تحلیلی نواز قصص قرآن**، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.  
المیدانی النیسابوری، ابوالفضل احمد بن محمد. بی تا، **مجمع الأمثال**، تحقیق محمد محی الدین  
عبدالحمید، بیروت: دار المعرفه.  
نسفی، احمد بن محمود. ۱۴۰۸ق، **تفسیر النسفی**، بیروت: دار القلم.  
نویا، پیل. ۱۳۷۳ش، **تفسیر قرآنی و زبان عرفانی**، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران: مرکز نشر  
دانشگاهی.

## مقالات

پهلوان، منصور و همکاران. ۱۹۱ش، «**احادیث انبیاء و اسرائیلیات**»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دانشگاه  
آزاد اسلامی واحد جیرفت، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۱۹-۷.

## Bibliography

Holy Quran.  
Nahj Al Balaghah, Translated by Mohammad Dashti.  
Torah.  
Ibn Kathir, Ismail Ibn Umar. 1408 AH, Tafsir al-Quran al-Azeem, Turkey: Dar al-Dawa.  
The Great Islamic Encyclopedia. 1998, Tehran: Center of the Great Islamic Encyclopedia.  
Zahabi, Mohammad Hussein 1405 AH, The Isra'iliyyat in Interpretation and Hadith, Second Edition, Damascus: Dar al-Iman.  
Radmanesh, Ezatullah 1989, History in Quran, Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing House.  
Zamakhshari, Mahmoud bin Omar. 1407 AH, Al-Kashaf an Haqqiq Ghawam Al-Tanzil, Third Edition, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.  
Sobhani, Jafar 1981, Eternal Charter of Quran, Isfahan: Public Library of Imam Amir al-Mo'menin.  
Siouti, Jalaluddin Abdul Rahman bin Abi Bakr, Al-Dar Al-Manthur Fi Al-Tafsir Bal-Mathur, Beirut: Dar Al-Ma'rifah.  
Tabarsi, Fadl Ibn Hassan 1993, Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, with introduction by Mohammad Javad Bolaghi, third edition, Tehran: Naser Khosrow.  
Tabarsi, Fadl Ibn Hassan 1408 AH, Complex of Statement in Quranic Sciences, Second Printing, Beirut: Dar Al-Ma'rifah.  
Tarihi, Fakhreddin Bahrain Complex, Tehran: Mortazavi.  
Iraqi activist Hussein. 1999, Stories of the Quran and the History of the Prophets, Second Edition, Tehran: Sobhan Publishing.

- Fayumi, Ahmad ibn Muhammad. Beita, Al-Misbah Al-Munir in Gharib Al-Sharh Al-Kabir, Beirut: Al-Maktab Al-Alamiya.
- Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad ibn Abi Bakr. 1408 AH, Al-Jami 'on the rules of Holy Quran known as Tartseer al-Qurtubi, Beirut: Dar al-Kitab al-Almiyeh.
- Majlisi, Mohammad Baqir 1997, Hayat al-Qulub, research: Seyyed Ali Emamian, second edition, Qom: Sarvar Publications.
- Majlisi, Mohammad Baqir 1403 AH, Sea of Lights, Third Edition, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Islami.
- Muhaddisi, Javad 1995, Art Analysis in the School Realm, Second Edition, Qom: Qom Seminary Islamic Propaganda Office Publishing Center.
- Mustafawi, Hassan. 1360 AH, research in the words of Holy Quran, Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Muzaffar, Mohammad Hassan 1995, Reasons for Truth, translated by Mohammad Sepehri, Tehran: Amirkabir Publishing Institute.
- Ma'refat, Mohammad Hadi 1418 AH, Interpretation and Interpreters, Mashhad: Radical Society for Islamic Sciences.
- Maqatel, Abolhassan 1424 AH, Tafsir Maqatil, Tahqiq Ahmad Farid, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya.
- Makarem Shirazi, Nasser. 1992, Sample Interpretation, Tenth Edition, Tehran: Islamic Bookstore.
- Malboobi, Mohammad Taqi 1997, A New Analysis of Quran Stories, Tehran: Amirkabir Publishing Institute.
- Al-Maidani Al-Nisaburi, Abu al-Fadl Ahmad bin Muhammad. a collection of proverbs, researched by Mohammad Mohi-ud-Din Abdul Hamid, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Nasfi, Ahmad bin Mahmoud 1408 AH, Tafsir al-Nasfi, Beirut: Dar al-Qalam.
- Nova, Paul. 1994, Quranic Interpretation and Mystical Language, translated by Ismail Saadat, Tehran: University Publishing Center.

#### Articles

- Pahlavan, Mansour et al. 191, "Hadiths of the Prophets and the Isra'iliyyat", Quarterly Journal of Quranic Studies, Islamic Azad University, Jiroft Branch, Volume 3, No. 12, pp. 7-19.

### **Components of Qur'anic stories and Comparing to Isra'iliyyat**

Receiving Date: 23 June, 2021

Acceptance Date: 11 September, 2021

Ali Asghar Asghari Valojaei: PhD Candidate, Faculty of Quran & Hadith, Islamic Azad University, Sari Branch

Hamid Mohammad Ghasemi: Associate Professor, Faculty of Quran & Hadith, Islamic Azad University, Sari Branch  
dr.ghasemi2021@gmail.com

Seyyede Hossein Hosseini Karnami: Assistant Professor, Faculty of Quran & Hadith, University of Medical Sciences, Sari

Corresponding Author: Hamid Mohammad Ghasemi

#### **Abstract**

Holy Quran is a book that contains one of the most fascinating and authoritative religious stories. Stories have a long history in the field of culture and transmission of human concepts and are the most compatible verbal form with the human mind; as a result, the audience is wider and are more influential. Holy Quran has used unique styles in designing stories, especially the stories of the Prophets. These spiritual stories were processed in a way that were completely contrary to the style and purpose of the stories of Holy Qur'an when have been found by mythologists and Isra'iliyyat. The present article seeks to provide a brief overview of the five characteristics of Qur'anic stories, including "truthfulness, disregard for useless details, the fight against distortion, the introduction of Prophets as moral role models, and considering moral principles" with the five characteristics of Isra'iliyyat that are in very contrast to the characteristics of stories; that is, "myths and superstitions, paying attention to useless details and particulars, the differences and distortions of the Isra'iliyyat narrations, and the distortion of the glorious reputation of the prophets in order to clarify the profound difference between the two methods."

**Keywords:** Quran, stories, Isra'iliyyat, prophets, fable.